



خلاصه سخنرانی همایش دختران آفتاب

۲۱ تیر ۹۷

مدال افتخار

عفت و حیا فقط در پوشش نیست. عفت یک مسئله عمومی است که جهات مختلفی دارد، از جمله عفت در کلام، در پوشش، در رفتار و... . کم ندیدیم آدم‌هایی را که به ظاهر به لباس و حجاب عرفی پایبندند، اما در رفتار و گفتارشان عفت ندارند. غرض از داشتن حجاب این بوده است که به آن آدم نگاه جنسی نشود. حالا یک نفر هم ظاهراً رعایت بکند اما رفتارش طوری باشد که کاملاً به آن آدم نگاه جنسی شود، این حجابش هم به درد خودش می‌خورد.

**عفت و حیا
فقط در
پوشش
نیست.**

عفت و حجاب برای کل انسان‌هاست، نه فقط خانم‌ها. زمانی که آدم و حوا به سمت آن شجره رفتند، اولین کاری که خداوند متعال با آن‌ها کرد؛ پوشش را از آن‌ها گرفت. گفت: «شما دیگر لیاقت داشتن این پوشش را ندارید.» (ر.ک. اعراف: ۲۰-۲۲-۲۷ / طه: ۱۲۱) پوشش، یک مدال افتخار است که خدا به هرکسی نمی‌دهد.

**من زن را به
عنوان یک
انسان هم
بین.**

تُو زن می‌خواهی با چه عنوانی دیده شوی؟ حرف اسلام این است که زن فقط جنسی دیده نشود. یعنی بگوید: «من زن را به عنوان یک انسان هم بین. من آدم هستم، اینجا دارم یک نظریه می‌دهم، دارم یک حرف حساب می‌زنم.» اما یک عده‌ای کارکرد زن را فقط جنسی می‌بینند. دختری که آمد فقط خودش را جنسی معرفی کرد، نهایتاً تا بیست‌سی سالگی می‌تواند جلب توجه کند، فلذا مرد هم تنوع طلب می‌شود و خودش را مقید به زندگی و ازدواج نمی‌کند. اگر در جامعه تفکر ایندیویژوال - اصالت فرد - حاکم شد، طرف فقط خودش را می‌بیند و زن را هم برای خودش می‌بیند، لذا ایثار، بی‌معنی می‌شود. این اتفاقی است که در غرب افتاده، و الان جریان‌هایی می‌خواهند این بلا را سر شما هم بیاورند.

حکمت عروسی

گرفتن

**عروسی، یعنی
اعلام این که
این آدم دیگر
کس وکار دارد.**

در روایات ما فرق زنا با نکاح، در "ضرب دَف" است. یعنی در ازدواج به همه اعلام می‌کنید که دیگر این آدم مال من است. اینکه عروسی راه می‌اندازند، برای این است که بگویند: «آی مردم! با خبر باشید این شخص دیگر کس وکار دارد. کس وکار جنسی دارد.» خوب است بدانید قبل از آمدن اسلام، نکاح الخَدَن بود که پیامبر ﷺ با آن برخورد کرد، یعنی نکاح یواشکی، که کسی باخبر نمی‌شود. اسلام می‌خواهد مرد را مقید کند. در عموم احکامش هم طرف زن را گرفته است. به مرد می‌گوید: «بیا تعهد بده پای این آدم می‌ایستی.» عقد در زبان عربی یعنی گره.

نگاه به زن در غرب و اسلام

**اینکه دیه زن
نصف دیه مرد
است، نشان از
ارزش کمتر زن
نسبت به مرد
نیست!**

اینکه می‌گویند: «چون دیه زن نصف دیه مرد است، پس ارزش زن نصف مرد است.» حرف احمقانه‌ای است. مشکل این است که زن را اقتصادی دیدند. در احکام ما دیه اعضای جفت بدن، نصف دیه کامل است، یعنی به طور مثال دیه یک جفت چشم و یک گوش، بیشتر از دیه کامل یک انسان است، اما نمی‌توانیم نتیجه بگیریم که ارزش جفت چشم و یک گوش یک نفر از خود او بیشتر است! مثلاً در یک اتفاق به این آدم آسیب رساندید، و چون آسیب رساندید او دیگر نمی‌تواند در بازار اقتصادی، درست پول دربیاورد، بنابراین شما باید بیشتر به او پول بدهید. حرف اسلام این است. پس وقتی به مرد آسیب رساندید، چون نان‌آور خانواده است، پس آن خانواده، آسیب اقتصادی بیشتری دیده. لذا با مرگ مرد خانواده، پول دیه را به زن می‌دهند. اما اگر یک زن بلایی سرش آمد، به آن خانواده، آسیب اقتصادی بزرگی به اندازه حذف یک مرد، نرسیده است.

اسلام نمی‌گوید زن در خانه بماند و در فعالیت‌های اجتماعی شرکت نکند، بلکه می‌گوید: «جایی نباش که به تو نگاه نر به ماده باشد، جایی نباش که از تو بهره‌وری مفت و مجانی کند. او را پای کاغذ بیاور، که تعهد بدهد به پای تو می‌ماند.» این حرف به نفع زن است. اگر زن‌ها برهنه باشند، برای مردها بهتر است، نه برای زن‌ها.

غرب برای تمتع خودش زن را برهنه می‌خواهد، می‌گوید: «تو باید لخت باشی و چون من پول دارم باید آن طور که من لذت می‌برم بچرخ.» جالب است غربی که زن را برهنه می‌خواهد، مرد را پوشیده می‌خواهد! وقتی می‌خواهد یک مرد تر و تمیز جنتل‌من معرفی کند؛ می‌گوید: «حتی کراوات هم بزن، یقه‌ات باز نباشد.» کراوات را نشانه نزاکت می‌داند. اسلام می‌گوید: «این موجودی که شما او را صرفاً مؤنث می‌بینید، او انسان است؛ من قرآن هر جا راجع به آدم و حوا حرف زدم؛ فعل مُثَنی آوردم، نگفتم: «شیطان گولش زد.» گفتیم: «شیطان گولشان زد.» ﴿وَ قَاتِلْهُمْ﴾ و برای هر دو سوگند یاد کرد. ﴿اعراف: ۲۹﴾

**غرب؛
زن را برهنه
می‌خواهد و مرد
را پوشیده!**

**غرب به زن
می گوید:
کارخانه ماشین
بساز اما در
خانه آدم نساز.**

دخترخانم ایرانی ای که در مسابقات ریاضی اول شد؛ کسی به او نگاه جنسی نداشت. می گفتند: «بارک الله مغز ریاضی است.» زن می گوید: «من را مغز ریاضی ببینید، من را مغز فلسفه ببینید، من هم درس خواندم، من هم چهار تا نظریه دارم. من هم چهار تا کار بلدم.» اما غرب می گوید: «نه، تو فقط لوندی و ناز داری! شما هیچ کارکرد دیگری ندارید!» اولین باری که انگلیسی ها پای زن را به این شکل به جامعه و به کارخانه ها باز کردند، زمانی بود که آن ها در آن رشد و شوک اقتصادی عصر صنعتشان، نیاز به کارگر داشتند. تا آن زمان در قوانین انگلستان، چیزی نمی توانست به نام زن باشد. یعنی ۱۲۰۰ سال بعد از آن زمانی که در اسلام چیزی به نام زن می شد! برای ترغیب حضور زنان در کارخانه ها، قوانین را تغییر دادند که زن هم چیزی به نامش شود. لذا زن؛ کارگر شد. گفتند: «تو بیا در کارخانه ماشین بساز اما در خانه آدم نساز.»

ما هویت دخترمان را در تحصیلات بالاتر تعریف کردیم. او هم بعد از یک مدت نگاه می کند می بیند در وجودش حس مادری و هزار داشته، وجود داشت، که به آن ها نرسیده و داشته هایش شکوفا نشده. خودکرده را تدبیر نیست!

**کار
تخصصی
زن،
آدم ساختن
است.**

کار زن، آدم ساختن است، در آن تخصص دارد. مردها تحمل ندارند، اما زن این گونه نیست. آن نیرویی که خدا به او داده، بالقوه در وجودش است. ذات زن دیده شدن است، زن دوست دارد دیده شود، اما اینکه کجا جلوه گری کند و برای چه کسی دیده شود مهم است. اسلام می گوید: «**برای همسرت دیده شو. زن خوب، زن باحیای بیرون، و بی حیای خانه است.**» (ر.ک: تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۰۰) بی حیا به معنی اینکه اگر می خواهد عشو و لوندی کند، این ها برای داخل خانه است.

بحران جامعه امروز

مسئولین ما کم کاری کردند. جامعه را در سن جوانی، جنسی نگه داشتند، امکان ازدواج را هم فراهم نکردند. حداقل کاری که می شود کرد این است که این پسر نگاه می کند، آن دختر هم می گوید: «نگاه کن!» مردی که هیز بار آمد، بعد از ازدواجش هم حتی اگر روزی بیست بار رابطه جنسی داشته باشد، باز در خیابان به بقیه نگاه می کند، چون مغزش فرمان می دهد این کار را بکن! چون او نسبت به آن ها شرطی شده است. برای همین هم اسلام به مرد گفت: «تو نگاه نکن که او هم بیوشاند و مراعات کند.» (ر.ک. نور: ۳۰-۳۱) این طور نیست که فقط نگاه به زن بی حجاب حرام باشد، اگر یک نفر به یک خانم محجبه چادری هم نگاه جنسی داشته باشد؛ آن نگاه حرام است؛ چون او همان لحظات دارد شرطی می شود. اگر نگاهتان این شد؛ آن وقت شما دیگر با همسر خودتان هم راحت نیستید. ما آمدیم سطح نگاه به زنا را فقط به تماس جسمی تنزیل دادیم، که این نیست. حضرت مسیح (علیه السلام) می فرماید: «**خیلی ها هستند با چشم هایشان زنا می کنند.**» (ر.ک. انجیل متی، باب ۵، آیات ۲۷-۳۰)

**جامعه در سن
جوانی، جنسی نگه
داشته شده و امکان
ازدواج هم فراهم
نیست.
مسئولین، کم کاری
کردند.**

آن جوانی که امکان ازدواج ندارد، نه پدر و مادرش او را می‌فهمند، نه جامعه می‌فهمد، نه مسئولین می‌فهمند، همه دست به دست هم دادند این جوان را از زندگی خارج کنند. مثل این است که برویم در یک منطقه زلزله‌زده جلوی چشم کسانی که دو روز است چیزی نخورده‌اند، کباب بخوریم! لذا در این فشار جنسی، حداقل کاری که خانم‌ها می‌توانند بکنند این است که در خیابان، این جوان را تحریک جنسی نکنند. غذا می‌خواهند بخورند، بروند در آشپزخانه خانه خودشان غذا را بخورند!

همه دست به
دست دادند
این جوان را
از زندگی
خارج کنند.

در اسلام،
مسائل
جنسی
بحران نبود.

ما در جامعه بحران جنسی داریم. در اسلام هیچ‌وقت مسائل جنسی بحران نبود. اگر یک حالت خاصی پیش می‌آمد و طرف نمی‌توانست ازدواج کند؛ می‌گفت: «ازدواج موقت کن.» ازدواج موقت هم اول برای زن است، بعد برای مرد. اصلاً خطبه‌اش را زن می‌خواند. یعنی شما قبلاً ازدواج دائم کردید، حالا طلاق گرفتید می‌خواهید تا ازدواج بعدی‌تان رابطه جنسی نداشته باشید. خدایی که برای هر شرایطی نیازهای بنده‌اش را دیده، می‌گوید: «حق خودت است، اما اگر دوست داشتی می‌توانی ازدواج موقت کنی.» اسلام از شما می‌خواهد آدم باشید.

خواهران! کاری کنید وقتی یک مرد شما را می‌بیند، اول شما را انسان ببیند، سپس زمانی شما را جنسی ببیند که خود شما به او اجازه بدهید.

یا اباصالح!

ز دوری تو نمردم، چه لاف مهر زنم؟

که خاک بر سر من باد و مهربانی من